

هنر تصویر کتب خطی در ایران

دکتر سیمین دانشور

ایرانی و یا مسیحی و یا از سایر ملل اسلام آورده بوده‌اند. چنانکه در سایر شئون تمدن اسلامی نیز افراد این ملل بوده‌اند که نقش عمده را بعهده داشته‌اند. نقاشی کتاب از همین زمان که تقریباً قرن سوم هجری است میان مسلمین رواج پیدا می‌کند. و در ایران این سلسله سردراز می‌یابد. چنانکه میان قرن هفتم تا اوائل قرن دوازدهم هجری هنر نقاشی در ایران چنان بارور می‌شود که از شدت پرباری فرسوده می‌گردد؛ و آنگاه می‌پژمرد.

در طی این چند قرن انواع کتب مصور شدند و بزیبنت تذهیب و تشعیر آرایش یافتند. متأسفانه غالب این آثار گرانبها از دسترس کسانی که اسلافشان روزگاری جان بر سر نقش آنها گذاشته‌اند بدور است و غالب این نقاشیهای سحرآمیز را میتوان بصورت اوراق پراکنده یا ضمن کتب مدون در موزه‌های جهان یا در گنجینه‌های شخصی اروپائیان و امریکائیان تماشا کرد. فقط عده معدودی از این پرگه‌های تاریخ در ملک دولت ایران است.

صورت زیر نموداری است از انواع کتب مصور و خطی ایرانی از قرن سوم هجری تا اواخر قرن یازدهم با ذکر مثالها و شواهد:

الف - کتب طبی و داروسازی مانند «خواص الاویه»
بد کتب تاریخ طبیعی مانند «مناقع الحیوان» و «عجائب
المخلوقات» قزوینی

ب - کتب تاریخی مانند «تاریخ طبری» و تاریخ
جهانگشای جوینی و «ظفرنامه شامی» و «جامع التواریخ»
رشیدی

د - کتب مثنوی
ادبی مانند «مقامات
حریری» و «کلیله و
دمنه»

ه - دیوان شعرا
مانند «شاهنامه»
فردوسی و «خمسه»
نظامی و «گلستان»
و «بوستان» سعدی
و «همای و همایون»

ابتدا کلام خداوند با خط کوفی مزین بطلا و با سر لوحه مذهب بکتابت درآمد و بعد احترام بانچه مکتوب است موجب شد که کتب مهم دیگر نیز بارها استنساخ شوند. مافویان کتب مذهبی خویش را مصور می‌کردند و نقاشی در نزد آنان صورت معجزه را بخود گرفته بود. و نقش‌های دیواری قصور پادشاهان ساسانی بسان زنده‌های لال، گذرندگان را بحیرت و امیداشتند. از جانب دیگر مسیحیان نسطوری روم شرقی کتاب مقدس را با تصاویر مقدسان و ملائک می‌آراستند. این نمونه‌ها ملهم مسلمین در هنر نقاشی و در تدوین کتب مصور گردید و پیداست که تمدن اسلامی جز ترکیبی از تمدن شکفت‌آور ملل تابع نیست.

در زمان خلافت عباسیان که گوشه‌ای از نهضت علمی زمان متوجه ترجمه کتب فارسی و یونانی و سریانی و غیره بزبان عربی گردید، مصور ساختن این کتب نیز بتقلید پیروان مانی و سنن باستانی نقاشی ساسانی و بتأثیر هنر روم شرقی متداول شد. هرچند نام و نشانی از بیشتر تصویرسازان این کتب آن عهد در دست نیست؛ زیرا آنها آثار خود را از سر فروتنی امضا نکرده‌اند. اما شک نیست که غالب نقاشان این کتب

(۱) رجوع شود باشعار بحرری در وصف کاغ کسری

وَالْأَسْرَارُ الرَّاقِفُ وَلَمَنْ بَلَّغَ غَلِيظَ فِي حَلْقِهِ يُصْفِي اللَّوْنُ، وَكَلَّمَ النَّوْمُ





یونس در دهان ماهی
تصویری از
«جامع التواریخ رشیدی»

خواجوی کرمانی
و دیوان حافظ و
«یوسف و زلیخای»
جامی و دیوان امیر
علیشیر نوائی
و - کتب
مذهبی مانند «معراج
نامه» و «رموز حمزه»
ز - کتب
نجومی مانند «زیج»
الغ بیگ .

کتب فوق را که از غالب آنها چندین بار نسخه برداری
شده است و بتصویر (مینیاتور) و تذهیب و تشعیر زینت
داده شده، اغلب میتوان در موزه ها و کتابخانه هائی که ذکر
میشود تماشا کرد :

- ۱ - موزه متروپولیتن در نیویورک
 - ۲ - موزه بریتانیا در انگلستان
 - ۳ - مجموعه های انجمن سلطنتی آسیائی در لندن
 - ۴ - کتابخانه دانشگاه ادینبرو، در اسکاتلند
 - ۵ - کتابخانه ملی و موزه لوور پاریس
 - ۶ - موزه ارمیتاژ در لنین گراد
 - ۸ - کتابخانه تاپکاپو سرای در استانبول
 - ۹ - کتابخانه قاهره در قاهره
 - ۱۰ - موزه هنرهای زیبای بوستون در امریکا .
- و اکنون پردازیم به توضیح جریان تکامل این فن
و مکتب ها و استادان آن .

نقاشی ایران پیش از مغول - از قرن سوم تا قرن
هفتم هجری مرکزیت علمی و هنری با بغداد بود که هنرمندان
و علمای کشورهای مسلمان بان روی میآوردند تا خریداری
برای هنرهای خود بیابند. از کتبی که در بغداد مصور شده اند
چند کتاب را معرفی می کنیم .
(۱) قدیمترین کتابی که از مکتب معمول در بغداد

بهست است کتاب « خواص الادیه » است که ترجمه عربی
کتاب *Materia medica* بقلم *Dioscorides* است. نقاش
غالب تصاویر این کتاب را می شناسیم که مصوری بنام عبداللّه بن
فضل بوده است. این کتاب در کتابخانه قاهره موجود است .
موضوع تصاویر کتاب طرز تهیه داروها ، جراحان در حال
کار و غیره است (تصویر ص ۳۵) . نما و منظره بوسیله یک
یاد و درخت قراردادی نموده شده است. قیافه ها نموداری است
از انسان متفکر بصورت عام، نه فرد یا افرادی بخصوص .
لباس ها و پارچه ها با پیچ و خم و تا های تزئینی یا سزین
بغنچه و گل و طرح یادبزنی تحت تأثیر سنن ساسانی است .
رنگهای تند مانند زرد و قرمز، آبی و سبز ، ارغوانی و طلائی
برای آرایش طرح ها بکار رفته است .

(۲) مقامات حریری - چندین نسخه از این کتاب مصور
شده است که قدیمترین آنها (نوشته شده در ۶۱۹ هجری)
و هم چنین عالیترین آنها (مورخ ۶۳۴ ه) در کتابخانه ملی
پاریس موجود است . نقاش نسخه عالی یحیی بن محمود
واسط معروف به « الواسطی » است . در این نسخه تأثیر
هنر مسیحی و نقاشیهای دیواری زمان ساسانی هر دو نمودار است .
بعضی از هیاکل بالباسهای گل و گشادشاهت بقدیسن مسیحی
دارند . نقش ها و زینت ها نقاشیهای دیواری را بیاد میآورد .
در این نسخه اعراب را ضمن زندگی روزانه شان در مسجد ،



شیرخوارگی زال در پناه سیمرغ - از نسخه خطی شاهنامه متعلق به آقای مهدی دیشکائی

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

در مزرعه ، در صحرا و در اجتماع می بینیم . بسیاری از قیافه ها دارای حالات و حرکات کاملاً اختصاصی است و همین مشخصه است که این کتاب را از کتاب خواص الادویه گرانباتر میسازد . صف های اشخاص متعدد ، اسبها در پس و پیش صحنه ها ، و نقش های تزئینی زمینه لباسها و طرح های مجرد و قراردادی و خاص هنر ایران همه بشارت از طبیعت مینیاتور عالی ایرانی می دهند . الواسطی بیشک نقاشی بزرگ بوده است که از ترکیب خواص هنر های ایرانی و مسیحی هنر تصویرسازی اسلامی را بنانهاده است .

۳) کلیله و دمنه - متن عربی کلیله و دمنه که بوسیله عبدالله بن مقفع از پهلوی بعربی گردانیده شده است نیز در این زمان مصور گشته است . نسخه ای از این کلیله و دمنه مصور در کتابخانه ملی پاریس موجود است . تصویر حیوانات در این کتاب بر سنن نقاشی ساسانی استوار است .

باید دانست که از دوره های پیش از مغول ایران تصاویر زیادی (مینیاتور) ضمن کتب خطی بجا نمانده است . اما نقاشیهای دیواری و کاشیهای لعابدار زمان سلجوقی پیش درآمد مینیاتور غنی ایران در ادوار مغول و تیموری است .



ورقی از دیوان حافظ - متعلق بدوره سلوی

نقش های این نقاشیها و کاشی های لعابدار طرحهایی است قراردادی و تجرید یافته (استیلزه) ، که اشکال و تزئینات آن کاملاً ایرانی و با رنگهایی متفاوت از رنگهای مکتب بغداد است . در این آثار بیشتر رنگهای صورتی - سبز زیتونی - آبی نیلی - بنفش - قهوه ای - سیاه و طلائی بر روی متن های سفید یا آبی فیروزه ای بکار برده شده است .

مکتب ایرانی زمان مغول - وقتی ایلخانان مغول بر ایران

مستولی شدند مرکزیت هنری بترتیب به سلطانیه و مراغه و تبریز منتقل شد . حیرت آورست که ایلخانان مغول با همه ستیزه خوئی مروج هنر - خاصه هنر مینیاتور - بودند . علاقه آنها به هنر چینی و اشتها هنر چینی از زمان های پیشین در ایران موجب تأثیر هنر خاور دور در هنر ایرانی گردید . از کتب معروفی که در زمان سلطه ایلخانان مغول در ایران مصور شده اند چند کتاب را در اینجا بیاد می آوریم .

۱) « منافع الحیوان » اثر ابن بختیشوع که یک نسخه از آن در کتابخانه مورگان در نیویورک نگاهداری میشود و دو نسخه قدیمی تر آن

صلحه اول کتاب عجاب المخلوقات فروید



درموزه متروپولیتن موجود است. نسخه کتابخانه مورگان بازرگان خان در حدود سالهای ۶۹۰-۶۹۹ ه. در مراغه نوشته شده است و مصور گردیده و ۹۴ تصویر دارد که بی شک اثر چند تن صورتگر بوده. در بعضی از این تصاویر آثار مکتب قدیم بغداد و در برخی دیگر تأثیر نفوذ هنر چینی آشکار است. منظره‌ها و رنگهای کمرنگ آن نقاشی چینی را در زمان امپراطوری «سونگ» و «یوان» یاد می‌آورد. درخت‌ها و پیچک‌ها و بوته‌ها و پرندگان که بعنوان وسائل تزئین، فواصل خالی میان تصاویر حیوانات را پر کرده‌اند سبک مخصوص ایرانیان را در فن تصویر کتب میرسانند.

(۲) نسخه‌های متعدد و مصور جامع التواریخ رشیدی. خواجه رشیدالدین فضل‌الله مورخ و وزیر ایلخانان مغول (غازان خان و الجاتیو) ربع رشیدی را در تبریز بنانهاد که در واقع محله هنرمندان و علماء و دانشجویان بود. در ربع رشیدی کتابخانه‌ای دارای ۶۰ هزار کتاب بزبانهای بیگانه و فارسی در دسترس اهل دانش و هنر بود. خواجه رشیدالدین هنر کتاب‌نویسی و فنون مربوط بان (کاغذسازی - صحافی - تجلید - تذهیب - مینیاتور) را مشوق بود. کتاب تاریخ خود او چندین بار نسخه برداری و تصویر شد. قسمتی از یک نسخه این کتاب در کتابخانه دانشگاه ادینبرو و قسمت دیگر همین نسخه در اختیار انجمن آسیائی سلطنتی در لندن است. دو نسخه دیگر از جامع التواریخ نیز در «تاپکاپوسرای» استانبول است. قسمت اول کتاب جامع التواریخ، تاریخ عمومی است که از خلقت آدم (باقتباس از قصص قرآن از قبیل داستان نوح نبی و داستان یونس و ماهی و غیره) شروع میشود و تاریخ مغول ختم میگردد. قسمت دوم تاریخ مغول است که پیش از قسمت اول نوشته شده است. در تصاویر بخش تاریخ مغول تأثیر سبک هنر چینی بسی بیشتر از قسمت اول است. چنانکه حتی بعضی از خاورشناسان اعتقاد یافته‌اند که صورتگران بعضی از تصاویر تاریخ مغول شخص نقاشان چینی بوده‌اند. در بخش تاریخ عمومی، طرح قیافه‌ها و اسبها عربی است؛ اما در قسمت دوم قیافه‌ها مغولی است. تصاویر قسمت دوم نمونه‌هایی را بما مینمایاند که در ایران هرگز سابقه نداشته است. علاوه بر قیافه‌ها، در همین قسمت دوم آثار هنر چینی حتی در تصویر

مناظر و ابرها و بکار بردن رنگ بصورت فرعی نیز احساس میشود. هر چند اشکال استیلیزه و تزئین‌های قراردادی و ریزه‌کاری‌های خاص ایرانی نیز کنار عوامل چینی همه‌جا خودنمایی میکند.

(۳) شاهنامه که منبع الهام بسیاری از نقاشان بوده است؛ و چون بیش از هر کتاب دیگر خواننده داشته، بیش از هر کتابی هم از روی آن نسخه برداری شده است. صحنه‌های قهرمانی و حوادث درخشان شاهنامه خود موضوع جالبی برای صورتگران بوده است. در تصاویر شاهنامه‌هایی که در زمان سلطه مغول در ایران نوشته شده است نفوذ نقاشی چینی کمتر و تأثیر طرح‌های روی سفال زمان سلجوقی بیشتر است. در این مینیاتورها در قسمت زمینه و لباس، طلا زیاد بکار برده شده است. رنگهای قهوه‌ای روشن یا تیره و انواع مختلف سبز و آبی و سیاه و طلایی ما را یاد کاشیهای لعابدار زمان سلجوقی می‌اندازد. و بعید نیست که این مینیاتورها در حقیقت دنباله یا ادامه نقاشی سلجوقیان باشد؛ که اینک از آن آثاری نمانده. در شاهنامه‌هایی که در زمان سلطه مغول مصور شده بصحنه‌های مربوط بشکار یا پادشاهی اسکندر کبیر یا زندگی رستم و زور آزمائیهای این پهلوان توجه بسیار شده است. شاهنامه‌های خطی معروف این زمان یکی شاهنامه‌ایست که در تبریز نوشته شده و ۵۵ تصویر داشته و اینک اوراق پراکنده آن زینت بخش موزه‌های اروپا و امریکاست.

دو شاهنامه دیگر (بتاریخ‌های ۷۳۱ و ۷۳۴ هجری) اولی در لندن گرادودومی در استانبول موجود است. اوراق پراکنده یک شاهنامه دیگر نیز که در شیراز نوشته شده است در قاهره و در یک گنجینه شخصی در لندن حفاظت میشود. و مینیاتورهای نسخه شیراز با مینیاتورهای نسخه تبریز تفاوتی طبیعی دارد. در مینیاتورهای کار شیراز تأثیر سنن ایرانی بیشتر و نفوذ نقاشی چینی منحصر بمنظر است.

مکتب هرات. در دوره تیموریان با همه خشونت اخلاقی و با همه ویرانی و تباهی که فتوحات سر کرده آنان ببار آورد؛ هنر مینیاتور سازی ادامه یافت و حتی بطور شگفت‌آوری ترقی کرد. پایتخت تیمور سمرقند بود و معروف است که خود او هنرمندان شهرهای تسخیر شده را باین شهر می‌آورد. باین صورت مرکزیت هنری زودگذری درین

پایتخت فراهم آمد که گرچه در قبال عظمت مکتب هرات رونقی نگرفت اما طلیعه مکتب هرات بود. از این نوع آثار آنچه از زمان خود تیمور مانده است :

(۱) یک نسخه شاهنامه است که در شیراز در ۵۷۹۶. نوشته شده و اینک در قاهره است. و دیگر :

(۲) یک نسخه همای و همایون بخط میرعلی است که در ۵۷۷۹. نوشته شده است که در موزه بریتانیا است.

اما باروری هنر مینیاتور در ایران بمرکزیت هرات و از زمان شاهرخ آغاز شد. شاهرخ و پسرش الغ بیگ و بایستقر مشوق صنعت و خاصه فنون مربوط بکتاب نویسی شدند. بایستقر کتابخانه بزرگی در هرات تأسیس کرد که در آن چهل نقاش و مذهب و خوشنویس و صحاف و جلدساز به نسخه برداری و مصورساختن کتب مشغول بودند. خطاط معروف جعفر بایستقری بر این گروه ریاست داشت.

در زمان شاهرخ و جانشینانش خاصه بایستقر توجه عمده معطوف بشاهنامه بود. اما دیوانهای سایر شعرا مثل خمسه نظامی و بوستان و گلستان سعدی نیز مورد توجه قرار گرفتند. تا جائیکه انعطاف باشعار تغزلی و داستانهای عاشقانه نظامی باعث تحولی در سبک نقاشی ایرانی گردید و سبکی خیال پرور و ظریف جایگزین سبک سابق شد. اینک زمان سلطه شعر بر مینیاتور است که حتی تعبیرات و تشبیهات شاعرانه عیناً در نقاشی ایرانی تجسم مییابد. زن‌ها و مردهای ظریف، با قیافه و اندامی که شاعر برای نقاش خلق کرده بود، با نظر اندازهای تزئینی

و صد در صد ایرانی، با افق وسیع و کوههای اسفنجی، بارنگهای زنده و هم‌آهنگ، و رنگهای اضافی که در مکتب ایرانی زمان مغول دیده نمیشد، در مینیاتور مکتب هرات بجلوه‌گری درآمدند. تصاویر و نقش‌ها در مقیاس کوچک کشیده شدند. تحت تأثیر هنر زمانی شعر (به تعبیر هگل) چند تصویر در چند سطح مختلف در یک اثر واحد بنمایش گذاشته شد تا دوری و نزدیکی (پرسپکتیو) را بتماشاچی القاء کند. اهمیت مکتب هرات در آن است که سبک نقاشی این مکتب ایرانی است. نفوذ بیگانگان و خاصه عوامل چینی و مسیحی در این سبک بکلی حل شده است و سبکی با رنگ محلی ایرانی، پخته و کامل، بوجود آمده است؛ و همین است که مکتب هرات را میتوان کاملترین مکتب مینیاتورسازی ایران دانست. سبک هرات نهایت کمال سبک نقاشی ایرانی است.

کتبی که در دوره شاهرخ و جانشینانش مصور شده عبارتند از :

(۱) شاهنامه‌ای بامضای جعفر بایستقری (۵۸۸۳). موجود در موزه کاخ گلستان تهران.

(۲) خمسه نظامی مهور بمر شاهرخ. در پاریس.

(۳) گلستان سعدی. در لندن.

(۴) معراج نامه (۵۸۴۰). نوشته شده در هرات. در کتابخانه ملی پاریس

(۵) زیج الغ بیگ. در کتابخانه ملی پاریس.

(۶) نسخه دیگری در باره کواکب (بامر الغ بیگ و دارای ۵۰ تصویر). در موزه متروپولیتن.

(۷) شاعر بزرگ قرن نهم که توجه نقاشان همعصر خود را نیز جلب کرده است جامی است. برادران عبدالکریم و عبدالرحیم پسران عبدالرحمن متخصص خط نستعلیق

که در خط مزبور تجدید نظرهای بسیاری کرده است هر دو دیوان جامی را نوشته‌اند. یکی از نسخه‌ها در زمان خود شاعر بخط عبدالکریم استنساخ شده است و در موزه متروپولیتن موجود است. این نسخه ۱۶ تصویر دارد که یکی از تصاویر آن «صحنه شکار» است. صحنه جالبی که بارها نقش آن از جانب نقاشان گوناگون تکرار شده و ضمن تصاویر این مقاله نیز آورده شده است.

کمال الدین بهزاد - سرآمد نقاشان ایران در تمام قرون کمال الدین بهزاد است که معاصر سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیر علیشیر نوائی بوده است. خوند میر او را از «عجائب و نوادر دهر» می‌شمارد. بهزاد در حدود سال ۸۵۴ هجری در هرات تولد یافته است و استادش پیرسید احمد تبریزی بوده است.

آثار بسیاری چه در ایران و چه در کشورهای خارجه بهزاد منسوب است اما شک نیست که چنین طومار بی‌سروپنی آثار یکتا نمی‌تواند باشد. احتمال می‌رود که گروهی شهرت این استاد را مایه کسب قرارداد داده باشند. ممکن هم هست که شاگردان بهزاد زیر نظر او و بدستورش کار کرده باشند و یا شاید بسیاری از تصاویر هارا بهزاد طرح ریخته باشد

و شاگردانش تمام و کامل کرده باشند. و بعد با مضای او رسانده باشند. ضمناً میدانیم که شاه اسمعیل صفوی در هنگام فتح هرات بهزاد را با خود به تبریز برد و طبق فرمانی که در تاریخ خواند میر آمده است او را بر مذهب ان و خطاطان و مصوران سرور ساخت. بنابراین چون بهزاد نقاش صاحب مکتب و سبک بوده است و نفوذ فراوانی هم داشته بسیاری از مصوران بتقلید او کار کرده‌اند.

از آثار معروف بهزاد که تقریباً در انتساب آنها باین استاد بزرگ تردید نمی‌توان کرد یکی چند تصویر در یک نسخه از خمسه نظامی است که در ۸۹۸ هجری مصور شده است. و امضای ریز بهزاد را زیر این چند تصویر میتوان تشخیص داد. این خمسه در موزه بریتانیا موجود است. دیگر یک نسخه بوستان سعدی که در ۸۹۳ هجری مصور شده است و در کتابخانه قاهره حفاظت میشود و چند تصویر با مضای بهزاد دارد:

اختصاصات سبک بهزاد تقریباً بدینگونه است.
 (۱) آثار بهزاد دارای روح رنگ آمیزی است. بدعت در رنگهای تازه و درخشان و ترکیب این رنگها و بکار بردن سایه‌هایی که قبلاً در میناتور سابقه نداشته است، از خواص نقاشیهای بهزاد است. توجه این استاد بیک ترکیب غیر

معمولی و کمپوزسیون جدیدی از رنگهای سورمه‌ای، سبز سیر و باز، سبز زیتونی، آبی فیروزه‌ای، زرد و قهوه‌ای و اقسام قرمز از صورتی کمرنگ و پررنگ گرفته تا قرمز سیر و سرخ آجری بوده است. طلا و قره رنگهای درخشان مورد توجه بهزاد را جلا و جلوه بیشتری بخشیده است. ضمناً ثبات رنگهایی که این استاد بکار برده است حیرت آور است.

(۲) نمایاندن حالات روحی اشخاص ضمن تصویر قیافه آنها. قیافه‌هایی که بهزاد تصویر کرده است دارای حرکت و حالت است. اندوه و فرسودگی و درد، یا نشاط و سرزندگی و غرور از صورتهایی که این استاد کشیده است نمایان است. و این خاصه قدم بزرگی است که این استاد در راه تکامل هنر ایرانی برداشته است.

(۳) قدرت تکنیک بهزاد شگفت آور است. هیچ صورتگری بسان او بر رنگ و شکل و طرح و خطوط ایتمه تسلط ندارد.

(۴) تحرك و زنده بودن اثر - چنانکه بهزاد در جزئیات و کلیات آثار خویش خود را تماشاگر دقیق طبیعت معرفی کرده است.

پارعام
 از خمسه نظامی - دوره صفوی



رشم رخش را برمی‌گزیند
تصویری از شاهنامه‌ای متعلق به دوره تیموری

۲) **خمسه**

دیگری که برای شاه

طهماسب نوشته شده

است. تصویرسازی

مانند میرک، سلطان

محمد، میرزا علی،

مولانا مظفر علی، و

میرسید علی، در این

خمسه که در موزه

بریتانیاست نقاشی

کرده اند. میرسید

علی در تجسم مناظر

طبیعی و زندگی

دهقانی و چادرنشینی

مهارت داشته است.

این نقاش را میتوان

مؤسس سبک خاص

نقاشی شمال هندوستان

دانست. زیرا این

صورتگر در خدمت

همایون بابر که

بدربار شاه طهماسب

پناه آورده بود

به هندوستان رفت و

درخت بزرگ چنار با برگهای افشان، رنگهای اصلی متن که آبی و خاکستری و سبز در آن غلبه دارد یادآور سبک استاد است.

مکتب صفوی - در آغاز سلطنت صفویه

مرکز هنری از هرات به تبریز منتقل شد.

هرچند هرات و شهرهای خاوری ایران هم

مرکزیت هنری خود را تا مدتی حفظ نمودند.

نفوذ سبک بهزاد هم در تبریز و هم در شهرهای

فرهاد شیرین و آبش را بدوش کشیده

از خمسه نظامی دوره تیموری



خاوری باقی ماند. بهزاد تا اوائل سلطنت

شاه طهماسب که در ۹۳۰ هجری پادشاهی

جلوس کرد زنده بود. در دوره ۵۰ ساله

سلطنت این پادشاه نقاشان بزرگی مانند میرک

و سلطان محمد شهرت یافتند. از آثار اوائل

صفوی میتوان نمونه‌های زیر را یادآور شد:

(۱) یک **خمسه** نظامی که دارای ۲۵۶

تصویر است و جزء یک مجموعه شخصی در

پاریس موجود است. بعضی از تصاویر این کتاب

کار «سلطان محمد» است.



(۵) در حقیقت شخصیت بزرگ بهزاد

و قدرت یمنانند او موجب شد که مینیاتور

ایرانی از حدود و قیودی که نساخ و کاتبان

در زمان قدیم برای تصویرسازان تعیین میکردند

بدرآید. بهزاد با برگزیدن موضوعهای کاملاً

تازه آزادی نقاش را از قیود کتابت اعلام کرد.

(مراجعه کنید به شماره اول همین مجله.

صفحات ۱۷ تا ۲۰).

(۶) نسبت‌های معقولی که بهزاد میان

اشخاص و ساختمانها و کتیبه‌ها و روایقها و طاقها

ایجاد کرده است پیش از او هرگز سابقه

نداشته است.

(۷) ظرافت.

(۸) منع جزئیات و ریزه کاریهای

پیش از حد.

از شاگردان و پیروان سبک بهزاد

قاسم علی نقاش بوده است که در صورت سازی

استادی و مهارت بهزاد را دارد. هفت مینیاتور

در یک **خمسه** نظامی (با تاریخ ۸۹۹ هجری)

موجود در موزه بریتانیا امضای او را دارد.

از آثار دیگری که بسبک بهزاد مصور

شده است دیوان امیر علیشیر نوائی است که

یکی از تصاویر آن در موزه متروپولیتن

موجود است. و در آن تصویر مزرعه طلائی،

جوان خیاط

طرح از رضا عباسی



بوسیله نقاشی های او و نقاش ماهر دیگری بنام « عبدالصمد شیرازی » سبک جدیدی از ترکیب عناصر نقاشی مینیاتور ایرانی و هندی در هندوستان بوجود آمد.

۳) شاهنامه فردوسی که در پاریس جزء یک مجموعه شخصی است. در این شاهنامه نقاشانی مانند سلطان محمد ، میرک ، مظفر علی ، میرسیدعلی و میرزاعلی نقاشی کرده اند. طرح های این شاهنامه ظریف و تزئین ها بسیار غنی است. قیافه اشخاص در مینیاتورهای این شاهنامه یادآور درباریان با ابهت و جوانان پر جاه و جلال دربار شاه طهماسب است.

۴) بوستان سعدی ۲۷ تصویر که در موزه متروپولیتن

حفاظت میشود. این سعدی نامه گویا در بخارا نوشته شده است. رنگ هائی که برای تزئین تصاویر و طرحها بکار رفته است شباهت بمیناسازی دارد. رنگها زنده است و قرمز شنگرفی بیش از هر رنگ دیگر در آن بکار برده شده است.

۵) غزلیات حافظ با مینیاتور مهم که دوتای آنها امضای سلطان محمد را دارد. بخصوص « مجلس بزم با شرکت ملائک » که برای غزل « دوش دیدم که ملائک

در میخانه زدند » بوسیله همین نقاش تصویر شده جالب است.

۶) دیوان امیر عیشیرنوائی که گویا در هرات نوشته شده است و بعداً برای تکمیل به تبریز بخدمت شاه طهماسب برده شده. سلطان محمد روی بعضی از تصاویر این دیوان کار کرده. این کتاب در کتابخانه ملی پاریس است.

۷) یوسف و زلیخای جامی بخط میر علی الحسینی در موزه متروپولیتن.

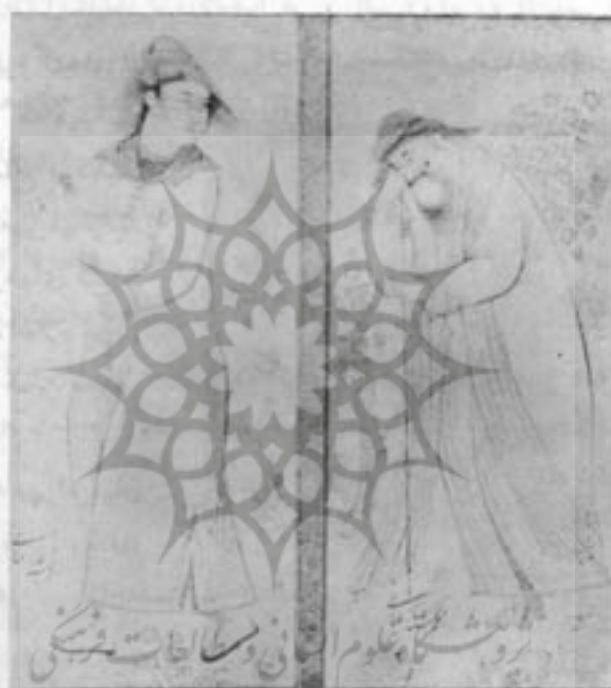
۸) چند اثر پراکنده دیگر از کتب مختلف (که بعضی از آنها امضای استاد محمدی را دارد) در موزه لوور و در کتابخانه ملی پاریس و موزه هنرهای زیبای بوستون

متعلق با وائل دوره صفوی موجود است.

در دوره صفوی علاوه بر مینیاتور ، نقاشی معمولی هم بوسیله نقاشان معروف انجام شده است. بیکه صورت سازی (پرتره) تقریباً از این زمانست که متداول میشود. صورتهای شاهزادگان و بزرگان و درباریان صفوی غالباً موضوع مهم و سفارش عمده برای نقاشان معروف عهد صفوی بوده است. در موزه هنرهای زیبای بوستون پرتره ایست که امضای سلطان محمد را دارد. باغلب احتمال این تصویر شاه طهماسب را نشان میدهد.

علاوه بر پرتره و مینیاتور ، نقاشی دیواری هم در زمان

سلطنت صفویه ، مخصوصاً از زمان شاه عباس اول ، مورد توجه قرار گرفت. عمارات و قصرهای عظیمی که در زمان پادشاهی شاه عباس کبیر در اصفهان ساخته شده است غالباً مزین بنقشهای دیواری است. در این نقشها (مثلاً در چهلستون) حتی تصویر هلندیها و اروپائیها نیز طرح شده است. نقاش معروف زمان شاه عباس ، رضا عباسی است که صاحب سبک و مکتب خاصی است. هر چند رضا عباسی مینیاتور ساز هم



بوده است ؛ اما شهرت خود را مدیون پرترهها و نقاشی های بزرگ خویش است که در آنها

شباهت با طبیعت و مدل را حفظ کرده است. این نقاش در ترسیم خطوط منحنی و طرح قوی و عمیق ، استاد است. استادی او خاصه در نمایاندن موی سر و ریش جلب نظر میکند. از آثار او پرتره های چندی از درویشان و زائران و جوانان مانده است. چند طرح نیز از او در موزه متروپولیتن موجود است که امضای او « رقم کمینه رضا عباسی » را دارد. یکی از طرح های او تصویر خیاطی است نشسته ، و دوتای دیگر ، یکی جوانی را نشان میدهد که صراحی بدست دارد و دیگری پیر مردی است که بعضائی تکیه

داده است. مشخصه نقاشیهای رضای عباسی علاوه بر مشاهده دقیق طبیعت (رنالیسم) مرجع داشتن رنگهای کمرنگ و سبک، محدود کردن تزئین طرح‌ها بدو یا سه رنگ است. باین ترتیب و بمناسبت قلمرو گسترده‌ای که نقاشان می‌یافتند (که بیشک ایجاد روابط با فرنگ در آن بی‌تأثیر نبوده) تصویر کتب خطی رونق خود را کم از دست می‌دهد. گرچه در دوره دوم صفوی مینیاتور کتاب هنوز هم رواج داشت چنانکه دوشاخه شاهنامه (نوشته شده در ۹۹۶ هجری و ۱۰۱۴ هجری) از این زمان باقی است. شاهنامه فدیمتر ۴۰ تصویر بزرگ دارد. در شاهنامه دوم ۸۵ مینیاتور کشیده شده که در آنها مشخصات سبک رضا عباسی حفظ شده است.

مینیاتورهای زمان صفوی را از علائم زیر میتوان شناخت:

(۱) هیئت لباس و عمامه - در مینیاتورهای اوائل صفویه عمامه‌ها بدور کلاه پیچیده شده و نوک قرمز رنگ کلاه (رسم قزلباش) از وسط عمامه پیدا است. اما کم‌کم عمامه‌ها بزرگتر و شل‌تر شد و این میله قرمز رنگ هم رفته رفته از میان رفت. هم‌چنین قباهای بلند و گل و گشاد قدیم در مینیاتورهای صفویه جای خود را کم‌کم بکمر چین‌ها داد که تا بالای زانو میرسید و روی آن کمر بند بسته میشد. ضمناً بلباس زنان نیز شالی که روی شانه می‌انداختند و مانند روسری گوشه آنرا روی سر می‌کشیده‌اند اضافه شد. تغییرات اخیر در لباس بیشتر از عهدشاه عباس اول صورت پذیرفت.

(۲) مناظر درباری و مخصوصاً صحنه‌های شکار و بزم و جنگ در دوره صفوی بتقلید از آثار گذشتگان تکرار میگردید.

علاوه بر این موضوعهای تقلید شده از پیشینیان، موضوعهای متنوع دیگری مانند مناظر طبیعی و روستائی، مناظری از زندگی شبانها و زنان روستائی در حین کار، نی‌زنان و ریسندگان و بافندگان مورد توجه مصوران قرار گرفت.

(۳) یکه صورت‌سازی مرسوم شد. توجه به پرتو باعث شد که در تصاویر کتب هم تعداد اشخاص محدود تر شود و صفحات مصور کم کم از شلوغی سابق بدر آید.

بطور کلی در اواخر عهد صفوی هنر تصویر کتاب در ایران با بتذال گرائید و اصالت و قدرت تکنیک خود را

از دست داد. شاید این انحطاط نتیجه نفوذ تمدن و هنر اروپائی در ایران بود و گر نه بعیدست که ملتی قدرت خلاقه خود را از دست داده باشد. در اوائل عهد قاجاریه این ابتذال در هنرمینیاتور حتی بیشتر شد و کار بجائی رسید که هنر اروپائی باناهم آهنگی خاصی با هنرمینیاتور ایرانی درهم آمیخت. مناظر و کوهها و ابرها و درخت‌های پشت سر اشخاص بسبک نقاشی کلاسیک اروپائی و بخصوص نقاشی ایتالیا در عهد رنسانس نقش شد. اما در نقش اشخاص و طرح لباس آنها خاصیت تزئینی مینیاتور ایرانی حفظ شد. مضحک تر آنکه حتی در تصویر اشخاص هم نفوذ اروپائی کار خود را کرد. چنانکه در بعضی از تصاویر، کلاه فرنگی بر سر ایرانی قبا وردا پوش گذاشته شد. با اینهمه از دوره قاجاریه نیز چند کتاب خطی با این سبک آشفته و درهم که یاد کردیم باقی مانده است:

(۱) مثنوی مولوی بخط کرمعلی (سال ۱۲۶۶ هـ) که تصویرهای آنرا آقاجنگ که «پاشاه نجف» امضاء میکرده است رسم کرده.

(۲) سبحة الابرار جامی.

(۳) داستان هزار و یکشب که زیر نظر سروش اصفهائی شاعر معروف زمانه تهیه و تنظیم شد و در موزه سلطنتی در ایران است.

اما تصویر کتاب در عصر حاضر که بواسطه تحولات در فن چاپ و نفوذ ماشینیسم تغییرات کلی یافته است خود حدیث مفصلی است که بوقت دیگر موكول میشود.

* * *

از مطالبی که گذشت روشن میشود که غالب کتب نفیس خطی و مصور ما در موزه‌های جهان پراکنده است. البته در ایران در کتابخانه ملی و کتابخانه سلطنتی و در گنجینه‌های شخصی هنوز آثاری بجا مانده است که ضمن این مقاله بذکر بعضی از این نسخ اکتفا شد و در نظر است که تحقیق کاملی از نسخ موجود در ایران بشود. نگارنده ضمن تحقیق درباره اینگونه کتب، در مجموعه شخصی آقای مهدی ویشکائی بیک نسخه قدیمی شاهنامه برخورد. از این نسخه دو تصویر انتخاب شده که ضمن این شماره بچاپ رسیده است. درین جا از ایشان که بانهایت جوانمردی تصاویر مزبور را

برای انتشار در اختیار مجله گذاشتند سپاسگذاری میشود .
 کتاب شاهنامه متعلق باقای ویشکائی نسخه نفیسی
 است که قدمت آن از روی شیوه خط و سبک تصاویر شاید
 باوائل دوره صفوی برسد . ممکن است متن کتاب حتی زودتر
 از این تاریخ هم نوشته شده ، و بعداً مصور شده باشد .
 از تصاویر کتاب که تعداد آنها به ۵۲ تصویر میرسد محتمل
 است که همه آنها کار یک نفر نیست و ممکن است دو یا سه نقاش
 در این کتاب کار کرده باشند . بعضی از تصاویر بسبک
 اواخر عهد تیموری است و بعضی دیگر را از کلاههای
 قزلباش هامیتوان شناخت که نمودار اوائل دوره صفوی است .
 جالب ترین طرح های این کتاب طرح اسبها و طرح سیمرغ
 است . نقش سیمرغ در این کتاب چهار بار بصورت های گوناگون
 تکرار شده است . اسبهای عالی این کتاب برنگهای مختلف
 با گردن های کشیده و اندام باریک نشان دهنده اسبهای
 ایرانی است و شباهتی بطرح مغولی که چاق تر و کوتاه تر
 از اسبهای خوش اندام ایرانی اند ندارد . قلم گیری طرح ها
 مخصوصاً در این کتاب جالب است ، غالباً نقاشی حاشیه

کوهها را از طرفی که با آسمان تماس میشود بصورت پیرزن یا
 پیرمرد یا جوانی قلم گیری کرده است .
 این شاهنامه دارای ۵۲۵ ورق است و چون اول
 و آخر آن افتاده است نام کاتب و نقاش یا نقاش های آن
 و نیز تاریخ کتابت آن معلوم نیست و از تغییر رسم الخط
 کتاب میتوان حدس زد که خطاط آنها هم یک نفر نبوده است .

منابع این مقاله :

- 1) A Hand book of Muhammadan Art.
By M. S. Dimand
- 2) Persian Painting - By B. Gray.
- 3) A Survey of Persian Art.
By Arthure Upham Pope

۴) تاریخ صنایع ایران از کریستی ویلسون . ترجمه
 عبدالله فریار

۵) نسخه خطی شاهنامه متعلق باقای مهدی ویشکائی
 تصویر های این مقاله غیر از دو تصویر رنگی خارج از متن
 با اجازه اداره انتشارات فرانکلین چاپ شده است .

